



## نقش مولفه‌ی جای گشت در ارتقای ادراک و کیفیت سکونت در خانه‌های تاریخی تبریز\*

نفیسه سلجی<sup>۱</sup>، حسن سجاذاده<sup>۲\*</sup>، مرجان خان محمدی<sup>۳</sup>، فائقه سرخوش<sup>۴</sup>

۱۳۹۸/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله :

### چکیده

**بیان مسأله:** با شروع دوره‌ی پست مدرن، اکثر فلسفه‌های حول مکان، تأکیدی آشکار بر اتمسفر محوری و دوری از نگاه کمی حاصل از تفکر دکارتی به مکان، داشتند. استیون هال در این بین، به پیروی از مرلوپونتی و ادراک تنانه، جای گشت را مطرح می‌کند و کیفیت ارتباطی در فضاها را در نظریه وی، متکی بر ادراک جای گشت محور دانسته شده است. در این پژوهش به ریشه‌ی جای گشت، (تغییرات در قرارگیری صفحات که فضا را در نتیجه تغییر زاویه بیننده تعریف می‌کند)، رسیده شده و برقراری آن در فضا تحت دو شاخص تغییر زاویه‌ی دید و فعالسازی حواس پنجگانه دانسته شده است.

**سوال پژوهش:** ارتباط بین مولفه‌ی پارالاکس و ارتقای ادراک در فضای خانه‌های تاریخی تبریز چگونه است؟

**هدف پژوهش:** رسیدن به مصداق‌های طراحی این مؤلفه (جای گشت) و نحوه‌ی برقراری آن در فضا هدف این پژوهش تعیین شده است. رسیدن به مؤلفه‌های جاری‌ساز این مؤلفه در فضا می‌تواند ارتباط بیشتر و حسی مخاطب با فضا را در خانه‌های امروزی افزایش دهد. در این راستا خانه‌های تاریخی تبریز به عنوان نمونه موردی برای رسیدن به مقصود پژوهش انتخاب گردیدند، این انتخاب در راستای ماهیت پژوهش مبنی بر انتخاب هدفمند نمونه، انجام گرفته است.

**روش تحقیق:** روش پژوهش اتخاذ شده، روشی ترکیبی، اما غالباً کیفی و مبتنی بر پارادایم پدیدارشناسی می‌باشد، که با تلخیص داده‌ها مدل پژوهشی تبیین شده - است و سپس شاخص‌های به دست آمده از مدل پژوهشی در نمونه‌های موردی سنجش گردیده است.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: مخاطب در این‌گونه خانه‌های تاریخی همواره در سیالیتی محسوس در فضا قرار دارد، اکثر تغییر مکان‌های اصلی در این‌گونه فضاها با شکست محور افقی و حرکت در محورهای مایل و عمودی همراه می‌باشد که این امر باعث سیالیت فضایی رابطه‌ی بین سوژه و اُبژه می‌گردد و همچنین در راستای این سیالیت فضایی، ادراک تک‌حسی مخاطب از فضا تبدیل به ادراکی چندحسی می‌گردد. در نهایت مخاطب ادراکی تام و عمیق در این‌گونه فضاها، تجربه می‌کند.

**کلمات کلیدی:** پدیدارشناسی، جای گشت، ادراک، خانه‌های تاریخی تبریز.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نفیسه سلجی با عنوان "تبیین نقش ادراکات چندحسی در تحقق کیفیت سکونت در خانه ایرانی (نمونه

موردی خانه های دوره قاجار تبریز)" به راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک می‌باشد.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی، گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، ایمیل: N\_salaji@yahoo.com

<sup>۲\*</sup> دانشیار گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل: Sajadzadeh@basu.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، ایمیل: Khanmohamadi.marjan@gmail.com

<sup>۴</sup> استادیار گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، ایمیل: Fayeghehs@yahoo.com

**۱- مقدمه**

حواس انسان، ابزارهای ادراک پدیده‌ها، محیط و فضای پیرامون انسان هستند. در فضاهای امروز به علت عدم توازن در استفاده از حواس پنج‌گانه، قابلیت افراد برای درک عمیق و با کیفیت از محیط کالبدی کاهش پیدا کرده است. تجربه معماری، تجربه‌ای چند حسی است و کیفیت‌های ماده، فضا و مقیاس نه تنها با چشم، بلکه با گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می‌شوند، به واقع، معماری از طریق همه حواس تجربه می‌شود (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). حواس انسان نقش مهمی در ادراک محیط پیرامون او ایفا می‌کنند، بنابراین هرچه شناخت انسان نسبت به این حواس کامل‌تر باشد با دقت بیشتر می‌توان از چگونگی فرآیند ادراک توسط آنها سخن به میان آورد، اما انسان امروزه چه اندازه به این حواس شناخت دارد؟ یا به عبارتی فضاهای امروز چه اندازه قابلیت به کارگیری و درگیری این حواس در پروسه‌ی ادراک انسان از محیط را دارند؟

با شروع دوره‌ی پست مدرن، مدل‌ها و نظریه‌های متعددی در راستای ادراک حسی و چندگانه انسان از فضا مطرح گردیده است، از جمله پدیدارشناسی؛ که به عنوان مکتب مطالعه تجربه دست اول انسان از فضا است و این رویکرد در معماری به طور آشکار با حس‌های تجربیاتی و فضایی محیط، با احترام به کیفیت‌های حسی نظیر رنگ، نور، دید، صدا، حرکت و زمان در ارتباط است (parthasarathy, 2009: 6). موریس مرلوپونتی از جمله نظریه‌پردازان مهم این مکتب بوده و در شمار آن دسته از فیلسوفانی است که منتقد تفکر انسان-محوری دکارتی و جدایی عین و ذهن یا به عبارتی جدایی سوژه و ایده است و سعی در باز تعریف رابطه انسان و جهان در قالب پدیدارشناسی دارد. در این راستا، استیون هال نیز مترجم فلسفه پدیدارشناسی وی در معماری به شمار می‌رود و پدیدارشناسی وی را می‌توان ترکیبی از پدیدارشناسی مرلوپونتی و گاستون باشلارد دانست که هرکدام نقش مهمی در شکل‌گیری خط فکری هال در مورد فضا و معماری داشتند. مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نوشته وی با عنوان جای‌گشت<sup>۱</sup> به سال ۲۰۰۰ میلادی چاپ شد. وی ادراک مخاطب در فضا را در گرو حرکت و سیالیت فضایی می‌داند و واژه جای‌گشت را اولین بار در

معماری برای توضیح فلسفه خود مطرح کرد (Holl, 2000).

همانطور که در پاراگراف اول مطرح گردید، حواس در ادراک فضای پیرامون نقش مهمی ایفا نموده است، که علی‌رغم این گذاره، به نظر می‌رسد معماری معاصر امروز ما در توجه به این امر ابتر مانده یا نگاهی تک بعدی به مقوله‌ی حواس در معماری دارد. حرکت در مسیر تغییر این نگاه و یافتن راهکارهای ارتقای کیفیت ادراک حسی در خانه‌های معاصر، هدف اصلی پژوهش تعیین گردیده است و در این راستا، مولفه‌ی جای‌گشت (به عنوان یکی از شاخص‌های مهم ادراک حسی در فضا مطرح است) به عنوان متغیر انتخاب گردیده و نقش آن در ارتقای ادراک در فضای سکونت خانه‌های تاریخی تبریز، بررسی خواهد شد. به عبارتی به نظر می‌رسد با شناخت عمیق این مؤلفه (که ارتباط مستقیم با حرکت و سیالیت فضایی دارد) و تحلیل شاخص‌های رسیدن به آن، می‌توان مدلی مناسب برای به‌کارگیری در فضاهای مسکونی در راستای ارتقا و عمق بخشی به ادراک ساکنین فضا، ارائه نمود. بنابراین، الف) رسیدن به شاخص‌های برقراری مؤلفه‌ی جای‌گشت در خانه‌های تاریخی تبریز و ب) گسترش عمق ادراک انسان امروز در فضاهای مسکونی، به عنوان اهداف پژوهش دنبال خواهند گردید و برای رسیدن به این منظور، ۳ مورد از خانه‌های تاریخی تبریز که مرتبط با زمینه مورد بحث است، انتخاب شده و مؤلفه‌ی جای‌گشت در فضاهای مهم و پرمواجهه این خانه‌ها، تحلیل خواهد شد. دلایل انتخاب نمونه موردی، ابتدا غنی بودن بحث مسکن در دوره‌ی مذکور و سپس قابلیت نمونه جهت رسیدن به شاخص‌ها با توجه به نوع پژوهش می‌باشند.

**۲- پرسش تحقیق**

ارتباط بین مولفه‌ی جای‌گشت و ارتقای ادراک در فضای خانه‌های تاریخی تبریز چگونه است؟

**۳- فرضیه تحقیق**

مؤلفه‌ی جای‌گشت و شاخص‌های رسیدن به آن در خانه‌های تاریخی تبریز، برقرار و جاری می‌باشد.

**۴- پیشینه تحقیق**

عمده مطالعات انجام شده در این زمینه را می‌توان به سه قسمت زیر تقسیم نمود:



محمد جواد صافیان و همکاران در چندین مقاله از جمله؛ "پدیدارشناسی بدن و مکان از منظر مرلوپونتی (با مطالعه موردی رمان صد سال تنهایی گابریل گارسیا مارکز)"، "تحلیل هنر تعاملی با رویکرد پدیدارشناسانه از منظر مرلوپونتی"، "پدیدارشناسی، پاسخی به مساله روش در فهم چپستی معماری (پیشامدرن سنتی)" و ... به چپستی و تحلیل مؤلفه‌ی مکان در پدیدارشناسی پرداخته است. مطالعات انجام شده توسط صافیان؛ اکثراً دارای ماهیت فلسفی عمیق و مبتنی بر نظریه‌پردازان مطرح در حوزه پدیدارشناسی می‌باشند. در ادامه حسن ابراهیمی اصل برای نخستین بار در مطالعات انجام شده ایرانی به ریشه‌یابی مؤلفه‌ی پارالاکس پرداخته و تحلیلی کاملاً معمارانه از مؤلفه‌ی مذکور ارائه داده است (با کمک آثار استیون هال). مطالعه‌ی وی شاخص‌های رسیدن به پارالاکس را مشخص نموده و زمینه‌ساز مطالعات بعدی در راستای نقش ادراک تنانه در فضا سازی معماری می‌باشد.

از دیگر مطالعات نزدیک به پژوهش حاضر، پایان‌نامه‌ی دریا یورگانجیغلو<sup>۳</sup> با عنوان استیون هال: ترجمه فلسفه پدیدارشناسی در قلمرو معماری<sup>۴</sup> در دانشگاه آنکارا می‌باشد که به ریشه‌های تفکر طراحی استیون هال به صورت جامع پرداخته و واژه‌ی جای‌گشت را نیز در آثار وی تحلیل نموده است و در نهایت کتاب نوشته شده توسط خود استیون هال با عنوان جای‌گشت می‌باشد که به طور مفصل به توضیح و تشریح فلسفه طراحی خود پرداخته است. کتاب مذکور علاوه بر پرداختن به مؤلفه‌ی جای‌گشت به دیگر ابعاد فکری هال و همچنین شاخص‌های مهم در زمینه فضا سازی توسط وی؛ نظیر رنگ، سایه، نور، متریکال، بافت، اتمسفر و ... پرداخته است. مؤلفه‌های ذکر شده با تحلیل ریشه‌ای در آثار هال انجام شده و از این نظر می‌تواند منبع مناسبی جهت فهم فلسفه‌ی طراحی و فضا سازی وی در معماری باشد. در نهایت جدول پیشینه پژوهش به صورت جمع‌بندی شده، منابع اصلی تأثیرگذار را دسته‌بندی کرده است.

الف) مطالعات انجام شده در زمینه پدیدارشناسی و مرلوپونتی و ادراک تنانه  
ب) مطالعات انجام شده در زمینه خط فکری طراحی استیون هال و جای‌گشت  
و ج) مطالعات خانه‌های تاریخی تبریز  
با توجه به اهداف پژوهش حاضر بخش عمده‌ای از تمرکز و تحلیل‌های ادبیات پژوهش مرتبط با بند الف و ب می‌باشد و همچنین هدف، رسیدن به نتایج و مولفه‌هایی حاصل از پژوهش‌های پیشین که قابلیت توسعه و پی‌گیری در پژوهش حاضر را دارند، می‌باشد که نهایتاً در راستای مطالب ذکر شده جدول پیشینه پژوهش، به شکل زیر جمع‌بندی، خلاصه و تحلیل شده است.

پژوهش‌های پیشین در باب موضوع مورد مطالعه را می‌توان به دو گروه دسته‌بندی نمود. گروه اول، به چهارچوب فلسفی پدیدارشناسی پرداخته و در نهایت به چپستی فلسفه‌ی تنانه مرلوپونتی می‌رسند و گروه دوم، در مورد خط فکری طراحی استیون هال و نحوه‌ی تأثیرپذیری وی از پدیدارشناسی و فلسفه‌ی ادراک تنانه-ی وی می‌پردازند، اما پژوهش حاضر در ادامه‌ی مسیر طی شده در این باب به تحلیل مؤلفه‌ی جای‌گشت در یک نمونه و جامعه‌ی آماری تاریخی می‌پردازد تا علاوه بر کنکاش بیشتر موضوع، مصادیق طراحی و اجرایی آن نیز آشکار گشته و به شاخص‌های طراحی آن رسید.

عمده تمرکز مطالعات خارجی در زمینه موضوع مورد نظر، حول فلسفه پدیدارشناسی و دامنه‌ی مطالعات و نظریات فیلسوفان مطرح در این زمینه قرار دارد که در مواردی نیز مطالعات بین رشته‌ای معماری و فلسفه و نقش و تأثیر مکتب پدیدارشناسی در جامعه و آثار معماری مطرح شده است. تفاوت مطالعات انجام شده ایرانی و خارجی را می‌توان در پرداختن میان رشته‌ای به موضوع فلسفه و معماری پیگیری نمود. به نظر می‌رسد در مطالعات انجام شده خارجی، نمونه‌های زیادی را می‌توان پیدا نمود که دامنه مشترک پدیدارشناسی و معماری را بررسی نمودند، اما مطالعات انجام شده ایرانی در زمینه دامنه مشترک پدیدارشناسی و معماری اندک به نظر می‌رسند.



جدول ۱- پیشینه پژوهش. (مآخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

عنوان	نویسنده (گان)	سال نشر	چکیده و نتیجه گیری
تحلیل هنر تعاملی با رویکرد پدیدارشناسانه از منظر مرلوپوتنی	حسین اردلانی محمد جواد صافیان هما نوزاد	۱۳۹۷	می‌توان گفت همان‌گونه که مرلوپوتنی در نظراتش بیان می‌کند در هنر تعاملی، تمایزی میان سوژه و ابژه نیست و هر دو در تعامل با هم است که شکل می‌یابند.
تبیین الگوواره‌ای فرآیند روانشناختی حصول معنای محیطی و تحقق حس مکان با تمرکز بر نقش واسط ادراک	حسین رضایی غزال کرامتی مزین دهباشی شریف محمد رضا نصیرسلامی	۱۳۹۷	بر این اساس، الگوی ساختاری مولدی مشتمل بر سه رکن اصلی اجزاء، نظام ساختاری <sup>۲</sup> و معنا ارایه شد که به ترتیب با عوامل و عناصر کالبدی، رفتار محیطی و احساس محیطی معادل‌سازی شده است.
تبیین نقش مولفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز	مجید صالحی نیا مهديه نیرومند شیشوان	۱۳۹۷	نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندمتغیره حاکی از این است که به ترتیب حس لامسه، حس شنوایی، حس چشایی و حس بویایی و در انتها حس بینایی دارای بیش‌ترین نقش و قدرت تبیین در ادراک محیطی این گذر داشته و این پنج متغیر، توانایی تبیین ۶۰/۶ درصد از واریانس ادراک حسی کیفیت محیطی را دارند.
شناخت مؤلفه پارالاکس و ریشه‌یابی آن در فلسفه طراحی استیون هال (نمونه موردی: موزه هلسینکی، اکتشافات درون و تسراکت زمان)	حسن ابراهیمی اصل سیامک پناهی منوچهر فروتن	۱۳۹۶	جای‌گشت آرایش فضایی جدیدی را مطرح می‌کند که در آن دریافت‌های فضایی از طریق حرکت حاصل می‌شوند. حرکتی که در صورت نبود آن در فضا، در نهایت تنها حس بینایی مخاطب با فضا درگیر می‌شود، اما در سایه این حرکت، جای‌گشت و همچنین لغزش‌های فضایی است که سایر جنبه‌های ادراک حسی مانند لامسه، شنوایی، بویایی و حتی چشایی نیز فعال می‌شود.
مکان در پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی مرلوپوتنی	محمد شکری	۱۳۹۵	مرلوپوتنی برخلاف هوسرل که واقعیت متقن را در حوزه آگاهی ناب یعنی ساخت میرا از مفروضات طبیعی مانند زمان و مکان و... جستجو می‌کند، بر این باور است که مکان فهمی صورت پیشین و شرط شناخت اعیان و رویدادهاست.
بدن و حواس در رسانه‌های نوین هنری، نگاهی از منظر پدیدارشناسی مرلوپوتنی	مهرانگیز بصیری	۱۳۹۳	فلسفه و هنر نزد مرلوپوتنی جدای از یکدیگر مطرح نمی‌شوند و او در هنر نیز مسئله ادراک و تجربه تنانه را دنبال می‌کند. رسانه‌ها دیگر نه در تقابل با هم بلکه در شبکه‌ای از روابط پیچیده که گاه با هم تداخل دارند و گاه به موازات یکدیگرند، تعریف می‌شوند.
بازیابی لذت حسی از طریق تجربه فضایی <sup>۵</sup>	یون جین کیم <sup>۴</sup>	۲۰۱۳	فضاهای معماری معاصر تنها حس بینایی مخاطب را درگیر خود می‌کنند و سایر حواس در فضاهای معماری معاصر فراموش شده‌اند که با بازخوانی آنها می‌توان ارتباط انسان با جهان را قویتر ساخت.
تفکر طراحی متجسم: دیدگاه پدیدارشناختی <sup>۷</sup>	سورن بلویگ پولسنا و اولا توگورسن <sup>۶</sup>	۲۰۱۱	تفکر طراحی صرفاً تحت رابطه‌ی واژگانی قابل توجیه نخواهد بود، بلکه تفکر طراحی متکی به رابطه پیچیده و چندبعدی می‌باشد که مستقیماً متکی به تن و رابطه‌ی تنانه می‌باشد.
یک تعلیم و انتقاد از مکان: از شبکه مندی تا شکست منظر <sup>۹</sup>	دیوید آ گرین وود <sup>۸</sup>	۲۰۰۸	تنوری آموزشی جای‌گشت ساشیما به عنوان متدی جهت مشاهده و تحلیل روابط ایده‌هایی که به نظر مخالف می‌آیند، استفاده می‌شود.
استیون هال: ترجمه فلسفه پدیدارشناسی در قلمرو معماری <sup>۱۱</sup>	دریا یورگانجیلو <sup>۱۰</sup>	۲۰۰۴	خوانشی از معماری استیون هال و ریشه‌های شکل‌گیری فرآیند طراحی وی است و در نهایت آشکارسازی ارتباط بین فلسفه و معماری در فرآیند طراحی استیون هال.



## ۵- روش تحقیق

از آن جا که در این تحقیق، منظور دستیابی به پارادایم‌ها و مولفه‌هایی است که نحوه‌ی ارتقای ادراک در خانه‌های تاریخی را دست یافتنی می‌کند، بر این اساس رویکرد پژوهش حاضر، شناخت پدیدارشناسانه فضای خانه‌های تاریخی است، به عبارتی پارادایم تحقیق منتخب در این پژوهش، پدیدارشناسی می‌باشد که به جای صرف واقعیت‌ها به مفاهیم نهفته در آن‌ها و چگونگی پدیده‌ها توجه می‌شود (علی احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲: ۲۴۵) و با روش تفسیری، حرکت به ماهیت پدیده‌ها شکل می‌گیرد. گردآوری داده‌ها برگرفته از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و نقشه‌ها بوده که در نهایت با تلخیص داده‌ها و دخالت فرضیه‌ها و سؤالات و با روش فرضی قیاسی، مدل تحقیق ساخته می‌شود. شاخص‌های به دست آمده در مدل تحقیق در پروژه‌های منتخبی آزموده و سپس نتایج پژوهش به دست می‌آید.

## ۶- مبانی نظری تحقیق

پدیدارشناسی اصطلاحی است که در ادوار مختلف در آثار فیلسوفان به چشم می‌خورد:

### ۶-۱- پدیدارشناسی و مرلوپوتی

لفظ فنومنولوژی<sup>۱</sup> دو جزء متشکله دارد: فینون<sup>۲</sup> به معنای خود را نشان دادن، ظهور، خویشاوند با نور و درخشندگی است و لوگوس<sup>۳</sup> به معنای زبان، گفتار، اندیشه است. فنومنولوژی را می‌توان علم پدیدارها نامید (هایدگر، ۱۳۹۴: ۱۱۹). پدیدارشناسی، اساساً مطالعه تجربه زیسته یا زیست جهان است (VanManen, ۱۹۹۷) توجه به تجربه زیسته به منزله تلاش برای فهم یا درک معانی تجربه انسان، آن چنان که زیسته، تلقی می‌شود و هدفش، آشکار ساختن معانی جدید و یا معانی مغفول مانده است. بنابراین پدیدارشناسی به جهان آن چنان که به وسیله یک فرد زیسته می‌شود، توجه دارد نه جهان یا واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد. در این حالت، پدیدارشناسی، راهی است که هدف از پیمودن آن، فراهم ساختن امکان دسترسی به ساختارها و معناهای زیست جهان است (شولتز، ۱۳۸۸).

موریس مرلوپوتی پدیدارشناس قرن بیستم، از جمله متفکرانی است که با طرح روابطی نوین میان آگاهی و بدن، سوژه و جهان، نظام و روش‌مندی پیشین را به پرسش می‌گیرد. مرلوپوتی در پیش‌گفتار پدیدارشناسی ادراک می‌نویسد: کار پدیدارشناسی، پرده برداشتن از راز جهان و راز عقل است (کارمن، ۱۳۹۴: ۲۳). مرلوپوتی با رویکرد پدیدارشناسی، در صدد دریافتن و توصیف رابطه سوژه با جهانی است که در آن غوطه ور شده‌است، جهانی که بواسطه ادراک به سوژه داده شده‌است (Gallagher, 2010: 184). وی می‌کوشد در برابر دوگانه انگاری دکارت در خصوص ذهن و جسم، به اتحاد میان این دو مقوله بپردازد تا ما با استفاده از منظر بدنمان بتوانیم دوباره جهان را ادراک کنیم (اردلانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶).

مرلوپوتی با مطرح نمودن ادراک به عنوان تنانه، آن را مانند امری بی‌کران می‌داند و در نتیجه این امر نشان می‌دهد، تجربه ادراکی به مکانی و زمانی تعلق پیدا خواهد نمود که تکرار پذیر نیستند (اردلانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱). بدن جایگاهی برای ذهن نیست و ذهن در برابر بدن قرار نمی‌گیرد بلکه هرکدام یک روی سکه هستند (Galen.A & Michael B, 1993: 120).

مرلوپوتی میان ذهن و بدن ارتباط برقرار می‌کند. از این رو ادعای من بدن دارم بواسطه همبستگی میان ذهن و بدن است که معنا می‌یابد. به زعم مرلوپوتی، آنچه موجب ارتباط من با جهان می‌شود تن است و به این ترتیب حضور در جهان، حضوری تنانه است. به عبارتی واسطه و کاتالیزور انسان با جهان و فضای پیرامون خویش، تن بوده و ادراک سوژه و ابژه و پیوستگی اتحاد میان آن در گرو ادراک تنانه می‌باشد. ادراک در هر جایی زاده نمی‌شود بلکه در اعماق و زوایای بدن سر بر می‌آورد (کارمن، ۱۳۹۴: ۲۵).

### ۶-۲- پدیدارشناسی استیون هال و ادراک حسی

استیون هال به عنوان یکی از بارزترین مترجمان فلسفه پدیدارشناسی در معماری به شمار می‌رود، پدیدارشناسی وی را می‌توان ترکیبی از پدیدارشناسی مرلوپوتی و گاستون باشلارد دانست که هر کدام نقش مهمی در شکل‌گیری خط فکری هال در مورد فضا و معماری داشتند. سه قاعده ارتباط تن با فضا، فضایی بودن



دریافت و نظریه فضای زنده نشان‌دهنده فلسفه پدیدارشناسی در افکار وی است، وی از اهمیت حضور تن در تجربه فضای معمارانه سخن گفته و اینگونه اعلام می‌دارد که: تن، جوهره بودن انسان در جهان و دریافت های فضایی وی است. وی در راستای تفکرات مرلوپوتنی تن را به عنوان ابزاری جهت اتصال به جهان می‌داند همانطور که هایدگر از چیز به عنوان گردآورنده جهان یاد می‌کند (VonderBrink, 2007: 10)

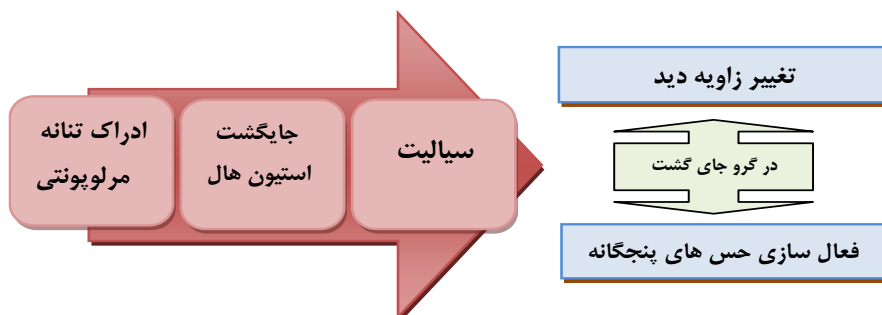
معنای ساده ادراک حسی این است که ما اشیاء را از طریق ادراک حسی به کمک اندام‌های حسی پنجگانه-مان می‌شناسیم. اما اغلب فیلسوفان در فلسفه، ادراک حسی را منفعل و پذیرنده داده‌های حسی می‌دانند، ولی برداشت مرلوپوتنی از آن متفاوت است. منظور مرلوپوتنی از ادراک حسی چیست؟ او در تقدم کاردا می‌نویسد: منظور ما از اصطلاح ادراک حسی این است که تجربه ادراک حضورمان در لحظه‌ای است که در آن هنگام اشیاء، حقایق و ارزش‌ها برای ما تقویم می‌یابند، یعنی ادراک حسی لوگوسی نوظهور است یعنی خارج از هر نوع جزمیتی، شرایط حقیقی خود عینیت را به ما می‌آموزد و توجه ما را به وظایف شناخت و عمل معطوف می‌سازد. آن مسئله‌ای درباره فروکاستن معرفت انسانی به احساس نیست بلکه کمکی برای تولد این معرفت است تا آن را به اندازه‌ای که محسوس است محسوس سازد (اصغری، ۱۳۹۴: ۲).

### ۳-۶- جای‌گشت

جای‌گشت بعنوان متغیر اصلی این پژوهش، که بحث‌های مطرح شده تا به این لحظه در پژوهش مذکور، برای رسیدن به خط سیری پیدایش این مؤلفه انجام

گرفت. حال در کتاب پارالاکس خود، مولفه جای‌گشت را بدین شکل شرح می‌دهد: (جای‌گشت تغییرات در قرارگیری صفحات فضا می‌باشد که ادراک فضا را در نتیجه تغییر زاویه بیننده تعریف می‌کند) و این مؤلفه زمانی اتفاق می‌افتد که محورهای حرکتی بعد افقی را ترک کنند. حرکت‌های عمود و مایل در فضاها شهری، تجربه ما را چندین برابر می‌کنند. تعاریف فضایی با تغییر زاویه دریافت شکل می‌گیرند. ایده تاریخی پرسپکتیو به عنوان احجام محور در فضای افقی، امروزه جای خود را به بعد عمودی داده‌اند. تجربه‌های معمارانه دیگر خارج از این انحصار تاریخی شکل می‌گیرند. لغزش‌های عمودی و مایل فاکتورهای مهم در ادراک فضایی به شمار می‌روند (Holl, 2000: 26).

جای‌گشت می‌تواند به عنوان تعریف فضایی جدید که متکی به حرکت بدن در فضاست، تصور شود. هنگامی که بدن در فضا حرکت می‌کند، منظر پرسپکتیو به دریافت‌های فضایی متنوع تبدیل می‌شود، آنچه حال از آن به عنوان جای‌گشت یاد می‌کند همین سیالیت فضایی است، که فضا را دوباره تعریف می‌کند. حال از ایده جای‌گشت به عنوان ابزاری در طراحی معماری یاد می‌کند و ادعا می‌کند که جای‌گشت می‌تواند به عنوان آرایش فضایی جدید در معماری مطرح شود که با توسل به آن دریافت‌های فضایی از طریق حرکت حاصل می‌شوند. می‌توان گفت که حال در واقع با مطرح کردن جای‌گشت، نگاه به فضای معماری را از دو بعدی بودن و حتی سه بعدی خارج کرده و بعد چهارم به آن اضافه می‌کند که متکی به همان سیالیت دریافت‌های فضایی است (Yorgangioglu, 2004: 65).



تصویر شماره ۱- شاخص‌ها و مؤلفه‌های جای‌گشت (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

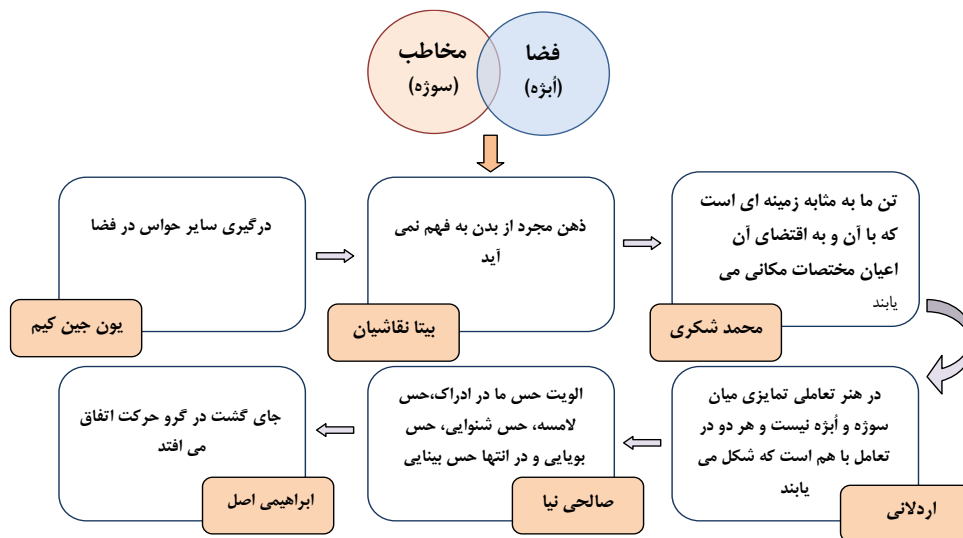


واقع مولفه جای‌گشت هال ارتباط مستقیم با حرکت و سیالیت دارد، حرکتی که موجب ادراک کامل فضا می‌گردد. این امر از دو طریق ایجاد می‌گردد:

۱. تنوع و ترکیب دیدهای فضایی مختلف از فضا
۲. فعال‌سازی سایر حواس در گرو حرکت و سیالیت ایجاد شده. این دو طریق به عنوان شاخص‌ها و متغیرهای این پژوهش جهت تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌ی جای‌گشت انتخاب شده‌اند.

در باب تنوع و ترکیب دیدهای فضایی مختلف از فضا، زمینه و دامنه تحلیل و بررسی ماهیتی کمی داشته و با توجه به مختصات جغرافیایی می‌توان تحلیل‌های لازم را در این زمینه انجام داد، اما در باب فعال‌سازی حواس پنجگانه نیاز به حضور عمیق و ادراک فضا، یک باید محسوب شده و بدون درک فضا و برقراری دیالوگ بین مکان و پژوهشگر، رسیدن به ابعاد این شاخص امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ به عبارتی بدون حضور طولانی مدت و عمیق مخاطب در فضا، دسترسی به لایه‌ها و پتانسیل‌های فضا در بیداری و فعال‌سازی حواس پنجگانه مخاطب غیر ممکن می‌باشد. این امر نقش و تأثیر مهمی در انتخاب نمونه‌های موردی جهت تحلیل داشته است، به طوریکه در نمونه‌های موردی انتخاب شده سعی بر آن بوده است که ارتباط پژوهشگر با فضاهای مذکور جز معیارهای اصلی بوده و جدای انجام پژوهش حاضر، دیالوگ و ارتباط پژوهشگر با این گونه فضاها از دوران کودکی نیز مدنظر بوده است.

هال در واقع با مطرح کردن اصطلاح جای‌گشت، اهمیت بدن در ادراک و دریافت محیط را نشان می‌دهد. ما در لذت بی‌حصری غرق می‌شویم، زمانی که چشمانمان باز، پاهامان در حال حرکت و بازوها و شالوده تنمان درگیر هستند. پدیدار فضای غیرقابل توصیف، اشاره به حداکثر شدت دارد و کیفیت بخشی از تجربه که ظاهر می‌شود، ابعاد به تنهایی فضای مدنظر را خلق نمی‌کنند، بلکه فضا کیفیت مقید در ادراک است (Holl, 2000: 31). هال فلسفه خود را در خلاف جهت مبلغان فضای اپتیک معماری قرار داد و ادراک در فضای معماری را در گرو حرکت در فضا که در نهایت منجر به کارگیری سایر حس‌ها نیز می‌شود، می‌داند. به عبارتی تا زمانی که مخاطب در فضا به حرکت در نیامده تنها ادراک بصری و حس بینایی او با فضا درگیر است ولی در گرو حرکت، سایر حس‌های وی مثلاً لامسه، بویایی، شنوایی و حتی چشایی نیز با فضا درگیر می‌شود و در نظر هال در این لحظه است که گیر انسان با جهان رخ داد، و ادراک کامل می‌شود، اما اتفاق مهم‌تری که در سایه حرکت اتفاق می‌افتد، هال آن را با پدیده جای‌گشت توضیح داده و یورگانجیگلو در رساله خود از آن به عنوان بعد چهارم یاد می‌کند همان سیالیت فضایی است که در واقع مخاطب با حرکت در محورهای عمودی و مایل، و در نتیجه هم پوشانی دیدهای مختلف به آن می‌رسد (حسن ابراهیمی اصل و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰). در واقع مؤلفه‌ی جای‌گشت هال ارتباط مستقیم با در



تصویر شماره ۲- ساختار نظری حاصل از مبانی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)



## ۷- مطالعات و بررسی‌ها

### ۷-۱- معرفی و بررسی موردهای مطالعاتی

خانه در دیدگاه باشلار مکانی است که در آن عنصر تخیل، اندیشه‌ها، خاطرات و رویاهای آدمی را به هم پیوند می‌زند. مکانی درونی که انسان را از بیرون جدا کرده و او را در تعامل با آن قرار می‌دهد. باشلار سکونت را در تخیل و رویا بررسی می‌کند و از این رو خانه به خلوتگاهی درونی تبدیل می‌شود (حمزه نژاد و دشتی، ۱۳۹۵: ۲۶).

یوهانی پالاسما نیز به مفاهیمی چون خاطره و رویا اهمیت می‌دهد. او وظیفه معماری را گشودن پنجره‌ای به سمت واقعیت ثانوی می‌داند. او واقعیت ثانوی را با کلمه-هایی چون ادراک، رویا، خاطره و تخیل تعریف می‌کند (pallasmaa, 2005). با توجه به ماهیت و اهداف هدفمند پژوهش، نمونه‌های زیر به عنوان نمونه موردی جهت تحلیل شاخص جای‌گشت انتخاب گردیده‌اند که شاخص‌های مطرح شده در هر کدام از آن‌ها تحلیل گشته و نتایج ارزیابی می‌گردند.

### ۷-۲- خانه امیر نظام گروسی

این خانه در محله تاریخی ششگلان، جنب مقبره‌الشعرا واقع است و در سال ۱۳۷۵ به شماره ۱۷۴۹ ثبت ملی شده‌است. خانه امیر نظام در زمان نایب‌السلطنه عباس-میرزا احداث و در دوره قاجاریه به خصوص زمان امیر نظام گروسی مرمت و مورد استفاده قرار گرفته‌است. این ساختمان با حوضخانه وسیع و ستون‌های سنگی در آن و طاق‌های آجرکاری شده و ایوان سرتاسری با آرایش ستون‌های رفیع و پنجره‌های ارسی نشانه‌های کم نظیری از ذوق و هنر صنعت‌گران این آب و خاک را در خود متجلی ساخته‌است (اسمعیلی سنگری و عمرانی، ۱۳۹۲: ۵۵).

### ۷-۳- خانه فدکی

این بنا متعلق به اواسط حکومت قاجاریه، حدود ۱۶۰ سال قبل توسط اعتمادالدوله والی شهر تبریز ساخته شده‌است. در دوره‌ای نیز به عنوان اسلحه‌خانه دولت وقت بوده‌است. خانه دارای دو حیاط اندرونی بیرونی بوده و در دو سوی شاه‌نشین خود دارای ایوان می‌باشد. خانه فدکی در سه جبهه شمالی، غربی و شرقی ساخته شده-است که با ورودی مشترکی با خانه بهنام قابل دسترس

می‌باشد. حوضخانه آن با کاربردی ماهرانه در سقف آن که مشرف به هر دو حیاط اندرونی و بیرونی می‌باشد، بسیار دلنشین می‌باشد (اسمعیلی سنگری و عمرانی، ۱۳۹۲: ۷۶).

### ۷-۴- خانه سلماسی

این خانه در محله مقصودیه، پشت عمارت شهرداری تبریز واقع است و در سال ۱۳۷۶ به شماره ۱۸۶۲ ثبت ملی شده‌است. این بنا متعلق به اوایل حکومت قاجاریه و توسط خاندان حیدرزاده احداث و توسط خانواده سلماسی از خانواده‌های قدیمی تبریز توسعه و تکمیل شده‌است. ساختمان شامل سردر با کاربردی آجری و هشتی و راهرو ورودی، حوضخانه، طنبی، سه‌دری بزرگ در جبهه شرقی و اتاق‌های جانبی در اضلاع شرقی و غربی، آب انبار و حیاط و باغچه است. مصالح به کار رفته در بنا شامل سنگ و ساروج در پی‌ها، دیوارهای زیرزمین ترکیبی از سنگ و آجر (تفلیسی) و دیوارهای طبقه فوقانی (همکف) خشتی و نمای بنا آجری است (اسمعیلی سنگری و عمرانی، ۱۳۹۲: ۹۷).

## ۸. یافته‌های تحقیق

### ۸-۱- شاخص زاویه دید

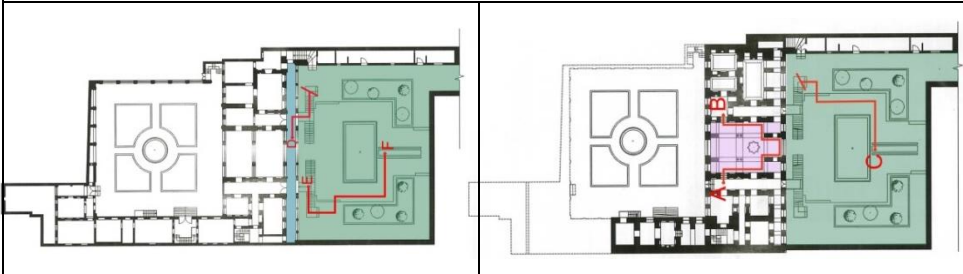
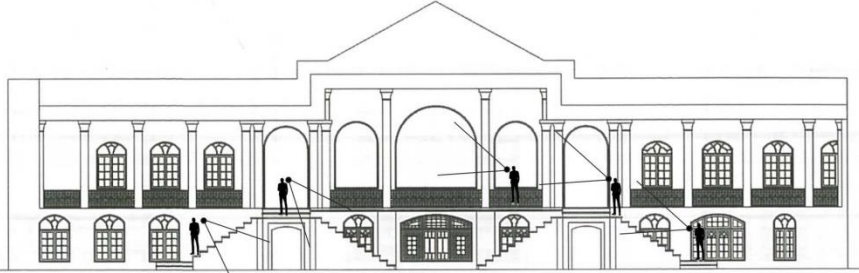


همانطور که در بخش‌های پیشین اشاره گردید، نمونه-های موردی تحت قالب دو شاخص تحلیل خواهند گردید، که در اینجا ابتدا هر سه خانه از بعد تغییر زاویه دید بررسی می‌گردند. با توجه به ماهیت مؤلفه‌ی جای-گشت و شاخص تغییر زاویه دید، ابزار بررسی در این بخش، ثبت تصاویر تحت نقطه هدف مشخص می‌باشد که در نهایت از طریق قیاس و مقایسه تصاویر، سیالیت موجود در فضا سنجش خواهد گردید. جهت تحلیل و رسیدن به نتایج قابل اتکا، در هر نمونه‌ی موردی سه مسیر جداگانه تعریف شده‌است (در انتخاب مسیرها سعی بر آن بود که مسیرهایی پر رفت و آمد که ساکنین فضا در طول روز از آن‌ها رفت و آمد می‌کنند انتخاب گردد)، در هر مسیر انتخابی، یک اُبژه‌ی مشخص که نقطه‌ی تمرکز ناظر به شمار می‌رود انتخاب گردیده و زوایای دریافتی ناظر یا همان سوژه از آن اُبژه تحلیل می‌گردد. با تکیه بر نقشه‌ها و تصاویر گرفته‌شده در هر مسیر (جدول ۲)، تغییر زاویه دید لحظه‌ای سوژه نسبت به اُبژه کاملاً





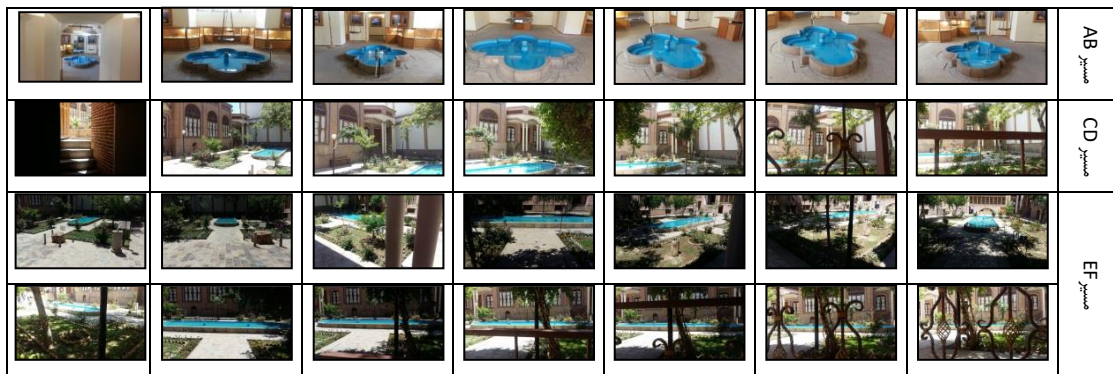
نشان دهنده‌ی محل قرارگیری سوژه می‌باشد که ثابت بوده و اُبژه در حول آن در حرکت است. هر کدام از فلش‌ها نیز، نشان‌دهنده زاویه اُبژه نسبت به سوژه می‌باشند، که هر چقدر زاویه‌ی بین فلش اول و آخر در یک مسیر زیاد باشد، دامنه‌ی زاویه دید اُبژه نسبت به سوژه زیاد بوده‌است و اُبژه زاویه دریافت‌های متفاوت‌تر و از هم دورتری از سوژه ادراک نموده‌است و در نتیجه ادراک کامل‌تری از سوژه داشته‌است و همچنین آنچه در پی این تغییر نقاط ارتفاعی و تغییر و ترکیب زوایای ادراک اتفاق می‌افتد، حرکت و سیالیت فضا نیست که باعث ادراک عمیق‌تر مخاطب (سوژه) از فضا (اُبژه) می‌گردد، که همان چیز است که فلسفه‌ی جای‌گشت به دنبال آن می‌باشد (رنگ‌های اشکال مفهوم خاصی نداشته و صرفاً جهت بیان گرافیکی بهتر می‌باشد).

مشهود می‌باشد؛ به عبارتی ادراک و دریافت سوژه از اُبژه، ادراکی مرکب از زوایا و دیدگاه‌های مختلف می‌باشد، که این امر کاملاً در تقابل با دریافت تک زاویه‌ای و پرسپکتیوی از فضا می‌باشد. مخاطب اینگونه فضاها در طی یک مسیر بین فضاهای خانه، از محور حرکت افقی خارج شده و در نقطه ارتفاع‌های مختلف قرار می‌گیرد، و در نتیجه دریافت‌های متغیر و متنوعی از فضا را تجربه می‌کند، که گاهی این نقطه ارتفاع‌ها به ۶ و حتی ۷ نقطه ارتفاع متفاوت می‌رسد (جدول ۳). در جدول ۳ سعی شده‌است این تغییر ارتفاع و تفاوت سطح سوژه و اُبژه شبیه‌سازی گردد، به عبارتی جایگاه جغرافیایی سوژه و اُبژه در این دیگرام‌ها تنها از بعد محور Z نمایش داده شده‌است. هر کدام از اشکال بیضی که در داخلشان واژه‌ی اُبژه نوشته شده‌است، نشان‌دهنده محل قرارگیری اُبژه و یک نقطه ارتفاع در محور Z می‌باشند و شکل بیضی مرکزی که واژه‌ی سوژه در داخل آن نوشته شده‌است،

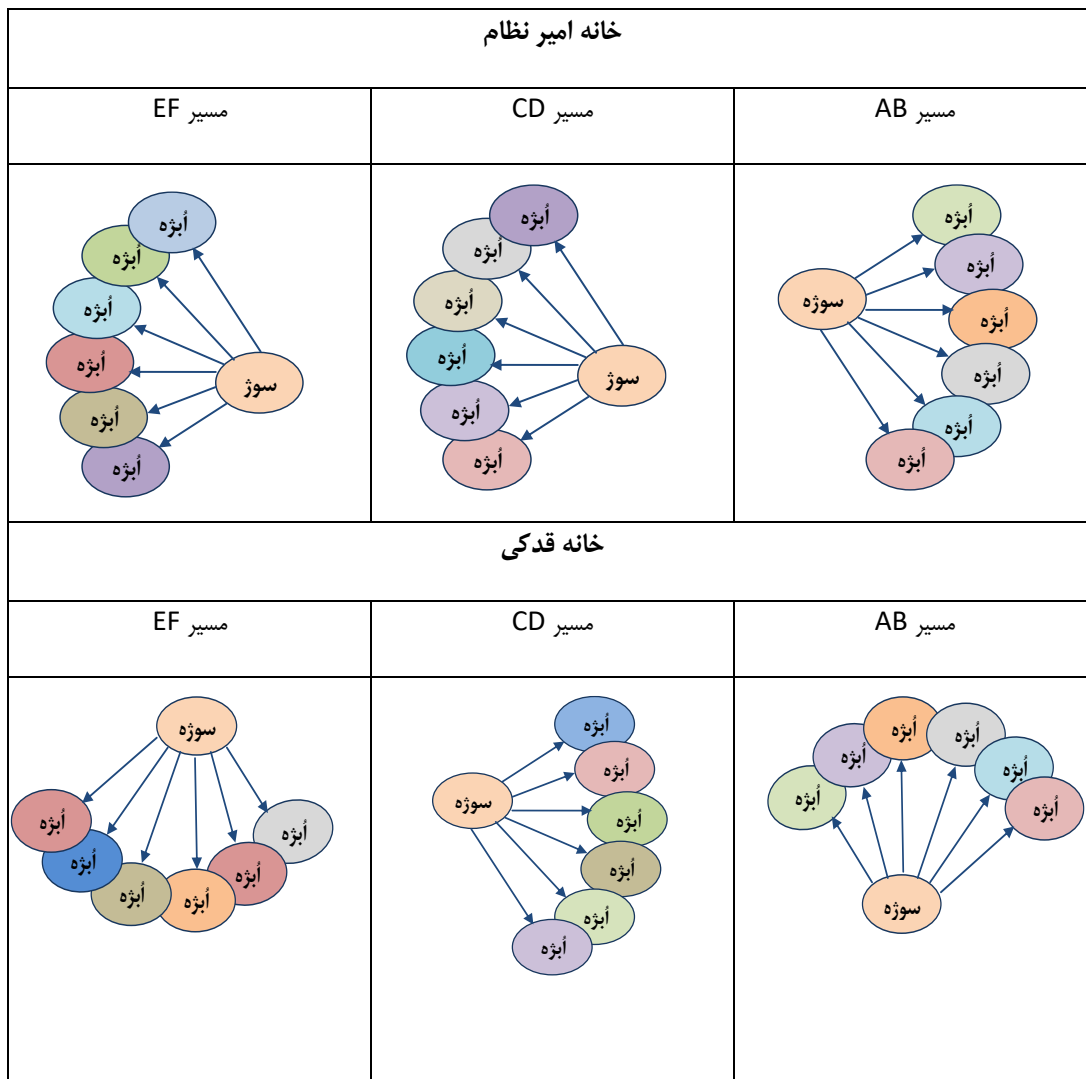
جدول ۲- محورهای حرکتی تعریف شده و تصاویر دریافتی سوژه از اُبژه در مسیرهای تعریف شده		
خانه امیر نظام		
	نقشه‌ی قطعی و مسیرهای تعریف شده	
		برش یا منحنی نمودن نحوه کارگیزی
		AB مسیر
		CD مسیر
		EF مسیر

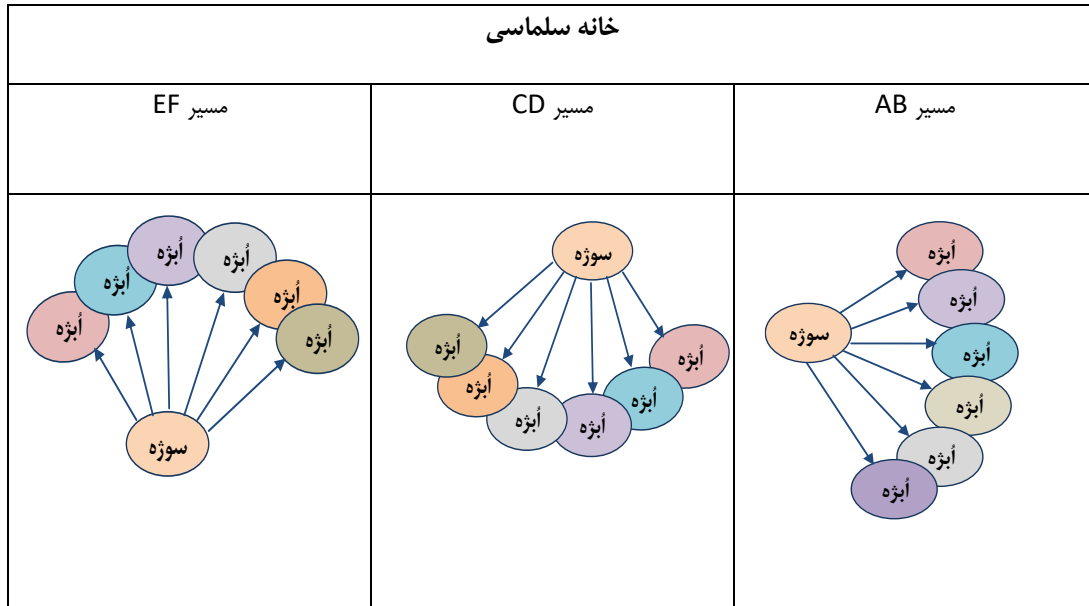
خانه قدکی		نقشه‌ی فضا و مسیرهای تعریف شده					
 		نقشه‌ی فضا و مسیرهای تعریف شده					
		برش با مشخص نمودن نحوه قرارگیری					
							مسیر AB
							مسیر CD
							مسیر EF
خانه سلماسی		نقشه‌ی فضا و مسیرهای تعریف شده					
 		نقشه‌ی فضا و مسیرهای تعریف شده					
		برش با مشخص نمودن نحوه قرارگیری					





جدول ۳- مختصات سوژه و ابژه نسبت به هم در مسیر حرکتی تعریف شده (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)





#### ۸-۲- فعالسازی حس‌های پنجگانه

برقراری جای‌گشت و ایجاد سیالیت فضایی علاوه بر عمق‌بخشی ادراک موجب فعالسازی حواس پنجگانه مخاطب نیز می‌گردد؛ به طوریکه مخاطب در گرو حرکت در فضا با حالت‌های متفاوت و مختلفی رو به رو می‌گردد که هر کدام از این حالت‌ها باعث فعالسازی سایر حواس پنجگانه می‌گردند. به عنوان مثال وقتی مخاطب در نقطه‌ای ثابت از فضا قرار می‌گیرد، حس‌هایی مشخص از حواس پنجگانه وی در ادراک تأثیرگذار می‌باشند و اما با تغییر مختصات فضایی وی، دیگر حواس پنجگانه وی در ادراک تأثیرگذار می‌گردند. این جابجایی حواس و درگیری همه‌ی آن‌ها در پروسه‌ی ادراک، باعث شکل-گیری فهم و دریافتی کامل از فضا و اتحاد هر چه بیشتر سوژه و اُبژه می‌گردد. جدول ۴ مصداق‌هایی از برقراری حواس پنجگانه را نشان می‌دهد.



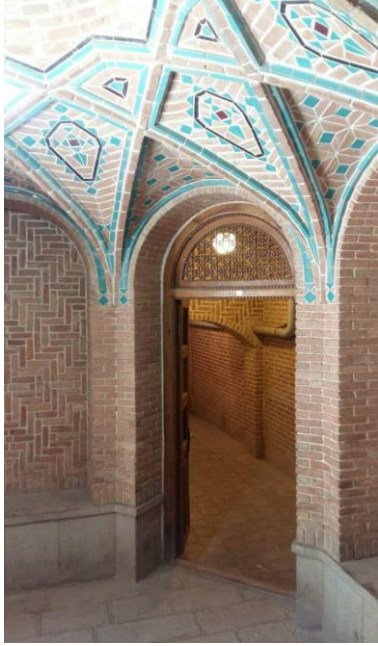

به عنوان مثال بوی آب و خاک فوران شده و طیف متنوع گل‌های کاشت شده در حیاط خانه قدکی، حس بویایی مخاطب را در هنگام حضور در فضا با خود درگیر می‌سازد و یا شیشه‌های رنگی موجود در اُرسی‌های خانه‌ی امیرنظام، طیفی از رنگ را در فضا ایجاد نموده و در فعالسازی حس بینایی مخاطب تأثیر می‌گذارد. در هر سه نمونه موردی مصالح و ماده‌های استفاده شده در بنا

(نظیر آجر، چوب، سنگ و ...) دارای بافت بوده و به نوعی حس لامسه مخاطب را با خود درگیر می‌سازد و در نهایت در هر سه نمونه موردی حس شنوایی به جای نوفه‌های آزار دهنده‌ای نظیر بوق خودرو، ماشین‌آلات ساخت و ساز، موسیقی‌های داخل خودروها، صداهای آزاردهنده همسایگان و ...، با صدای فوران آب، وزش باد در بین درختان و گیاهان، صدای پرندگان و ... درگیر می‌باشد.

به عبارتی فضا همچون اُبژه‌ای ادراک‌مند تمامی حواس مخاطب را با خود درگیر ساخته و باعث ایجاد ادراک تام می‌گردد، مخاطب در چنین فضایی هم می‌شنود، هم می‌بیند، هم لمس می‌کند، هم می‌بوید و حتی بعضی اوقات حس چشایی وی نیز با فضا درگیر می‌گردد و این فعالسازی حواس پنجگانه زمینه‌ساز ادراک تام از فضا و درگیری همه‌جانبه سوژه و اُبژه می‌گردد، که در نهایت موجب یکی شدن سوژه و اُبژه و ماندگاری و ارتباط ذهنی و همه‌جانبه آن دو در طی سالیان می‌گردد و می‌توان اذعان نمود مؤلفه‌ی اصلی ارتقای ادراک نیز همین امر می‌باشد.



جدول ۴- مصداق‌های فعالسازی حواس پنجگانه در نمونه‌های موردی در گرو جای گشت. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

تصویر	مصداق	ویژگی‌های حسی
	<p>صدای آب فوران شده در حوض آب صدای وزش باد، صدای پرندگان، صدای گفتگوی خانواده‌ها</p>	<p>حس شنوایی</p>
	<p>بوی گل موجود در حیاط، بوی خاک</p>	<p>حس بویایی</p>
	<p>حرکت موج زدن آب در حوض حیاط، شیشه رنگی باعث انعکاس نور در چشم مخاطب و ترغیب وی جهت ورود به بنا، هشت ضلعی بودن و تزیینات معماری در سقف و نور از سمت حیاط</p>	<p>حس بینایی</p>
	<p>بافت آجری و بافت چوب که باعث ترغیب مخاطب برای لمس کردن می‌شود</p>	<p>حس لامسه</p>



## ۹- نتیجه‌ی تحقیق

استیون هال با کمک و تکیه بر فلسفه‌ی ادراک تنانه مرلوپوتنی، مؤلفه‌ی جای‌گشت را مطرح می‌کند. در تعریف وی، جای‌گشت؛ تغییرات در قرارگیری صفحات که فضا را در نتیجه تغییر زاویه بیننده تعریف می‌کند، می‌باشد و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که مخاطب محور حرکت افقی را ترک نموده و در محورهای حرکتی عمودی و مایل، پیش برود. به عبارتی منظور وی از جای‌گشت همان سیالیت فضاییست که در گرو آن ادراک مخاطب از فضا ادراکی تام و عمیق می‌شود. برای سنجش این امر در خانه‌های تاریخی تبریز، ابتدا با تکیه بر چهارچوب فلسفی پدیدارشناسی و ریشه‌ی جای‌گشت، ساختار تحلیلی آن به دست آورده شد که دو شاخص: الف) تغییر زاویه دید و ب) فعال‌سازی حواس پنجگانه، به دست آمد. سپس با استفاده از روش تصویربرداری و مختصات‌یابی سوژه و اُبژه نسبت به هم، روابط آن‌ها را مشخص نموده و چگونگی برقراری مؤلفه‌ی جای‌گشت در این فضا نشان داده شد.

مخاطب در این‌گونه خانه‌های تاریخی با توجه به نوع پلان‌بندی و سیرکولاسیون فضایی همواره در سیالیتی محسوس در فضا قرار دارد، اکثر تغییر مکان‌های اصلی در این‌گونه فضاها با شکست محور افقی و حرکت در محورهای مایل و عمودی همراه می‌باشد که این امر باعث سیالیت فضایی رابطه‌ی بین سوژه و اُبژه و در نتیجه اتحاد بیشتر آن دو می‌گردد و همچنین در راستای این سیالیت فضایی، ادراک تک‌حسی مخاطب از فضا تبدیل به ادراکی چندحسی می‌گردد؛ به عبارتی با حرکت در این‌گونه فضاها تمامی حواس پنجگانه (شنوایی، بویایی، چشایی، بینایی و لامسه)، در پروسه‌ی ادراک درگیر می‌باشند و اگر در بخشی از این فضا برخی از حواس منفعل می‌باشند در گرو سیالیت ذکر شده و انتقال به فضای جدید، همان حواس منفعل، دوباره فعال می‌گردند. در نتیجه ادراک، ترکیبی از تمامی زوایا و همچنین تمامی حواس می‌باشد.

## ۱۰- تشکر و قدردانی

سپاس و قدردانی از تمامی همراهان و همکارانی که در انجام این پژوهش ما را یاری رساندند.

## ۱۱- پی‌نوشت

- <sup>1</sup>Parallax
- <sup>2</sup>Derya Yorgancioglu
- <sup>3</sup>Steven Holl: a Translation of Phenomenological Philosophy into the Realm of Architecture
- <sup>4</sup>YoonJin Kim
- <sup>5</sup>Recovering Sensory Pleasure Through Spatial Experience
- <sup>6</sup>Søren Bolvig Poulsen and Ulla Thøgersen
- <sup>7</sup>Embodied design thinking: a phenomenological perspective
- <sup>8</sup>David A. Greenwood
- <sup>9</sup>A critical pedagogy of place: from gridlock to parallax
- <sup>10</sup>Derya Yorgancioglu
- <sup>11</sup>Steven Holl: a Translation of Phenomenological Philosophy into the Realm of Architecture
- <sup>12</sup>phenomenology
- <sup>13</sup>phainonon
- <sup>14</sup>Logos

## ۱۲- منابع فارسی و لاتین

- ابراهیمی اصل، حسن. (۱۳۹۶). شناخت مؤلفه پارالاکس و ریشه‌یابی آن در فلسفه طراحی استیون هال (نمونه موردی: موزه هلسینکی، اکتشافات درون و تسراکت زمان). باغ نظر، (۵۰): ۶۵-۷۴.
- [http://www.bagh-sj.com/article\\_۴۸۶۷۷.html](http://www.bagh-sj.com/article_۴۸۶۷۷.html)
- اردلانی، حسین. (۱۳۹۷). تحلیل هنر تعاملی با رویکرد پدیدارشناسانه از منظر مرلوپوتنی. هنرهای زیبا\_ هنرهای تجسمی، (۴) ۲۳: ۱۲-۵.
- <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=483701>
- اسمعیلی سنگری، حسین و عمرانی، بهروز. (۱۳۹۲). تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم. تبریز: فروزش.
- اصغری، محمد. (۱۳۹۴). رویکرد پدیدارشناسانه مرلوپوتنی به رابطه هنر و بدن. پژوهش هنر، ۵ (۱۰): ۱-۱۰.

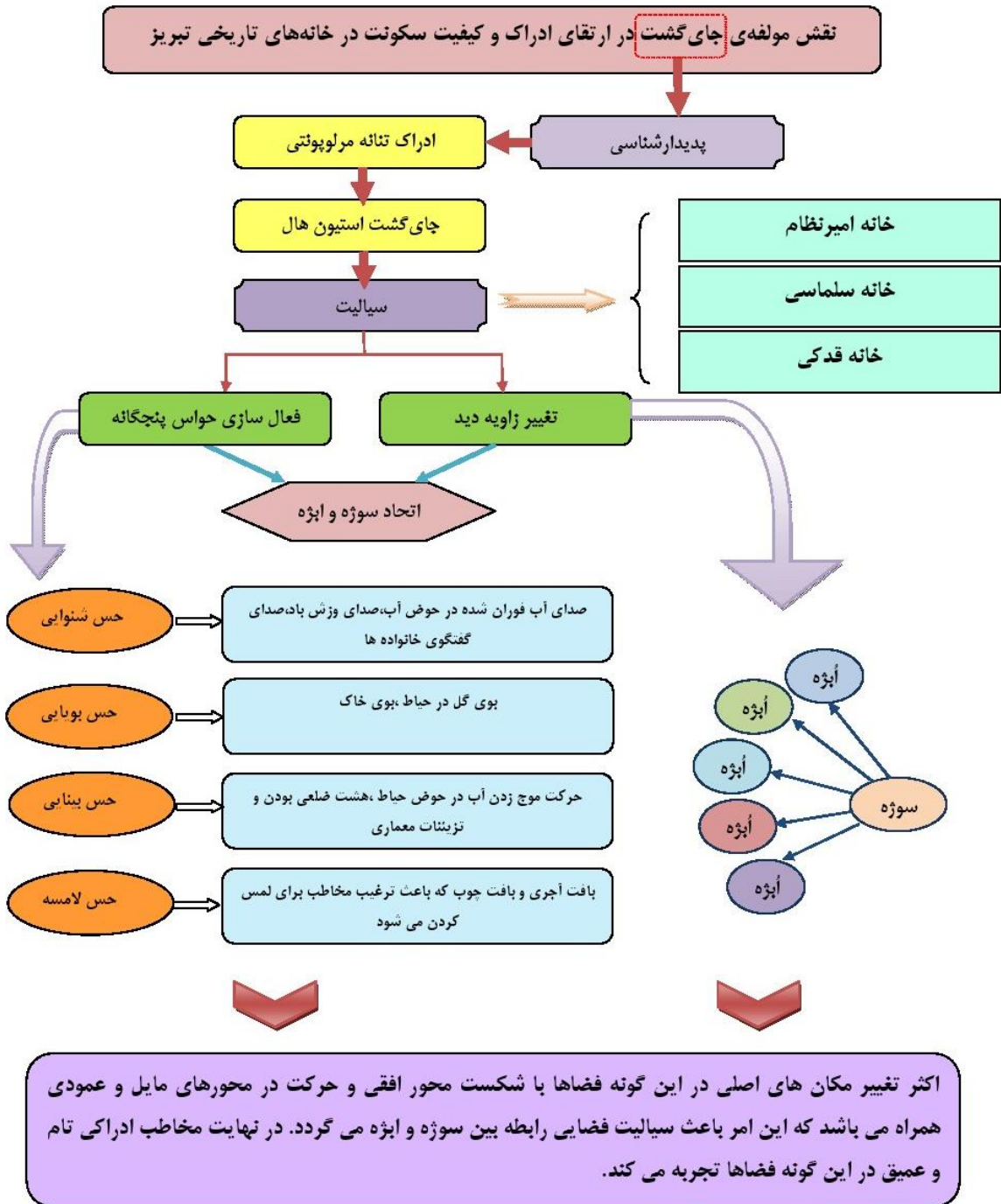
<https://www.noormags.ir/view/ar/articlepage/1107609/%D8%B1%D9%88%DB%8C%DA%A9%D8%B1%D8%AF-%D9%BE%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%D8%A7>



- [https://www.researchgate.net/profile/Shawn\\_Gallagher2/publication/225565977\\_Merleau-Ponty's\\_Phenomenology\\_of\\_Perception/links/0912f5109af208ec9e000000/Merleau-Pontys-Phenomenology-of-Perception.pdf](https://www.researchgate.net/profile/Shawn_Gallagher2/publication/225565977_Merleau-Ponty's_Phenomenology_of_Perception/links/0912f5109af208ec9e000000/Merleau-Pontys-Phenomenology-of-Perception.pdf)
- Holl, S. (2000). Parallax. Basel: Birkhauser.
  - Juhani Pallasmaa. (2005). The eyes of the skin, Architecture and the senses; London, Academy Edition: ۱-۶.
  - Parthasarathy, D. (2009). Phenomena of light, color and material exerted in architectural setting promotes healing. Unpublished master's thesis Cincinnati: University of Cincinnati. [https://etd.ohiolink.edu/pg\\_10?0::NO:10:P10\\_ACCESSION\\_NUM:ucin1260540905](https://etd.ohiolink.edu/pg_10?0::NO:10:P10_ACCESSION_NUM:ucin1260540905)
  - Soren bolvig poulsen & ulla thogersen (2011). Embodied design thinking: a phenomenological perspective, CoDesign: International Journal of CoCreation in Design and the Arts, Vol. ۷, No. ۱, pp. ۲۹-۴۳. <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15710882.2011.563313>
  - Van Manen, Max. (1997). Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy, ON: The Althouse Press, London.
  - Vonder Brink, D. (2007). Architectural phenomenology: towards a design methodology of person and place. Unpublished master's thesis. Miami: Miami University. [https://etd.ohiolink.edu/pg\\_10?0::NO:10:P10\\_ACCESSION\\_NUM:miami1185571813](https://etd.ohiolink.edu/pg_10?0::NO:10:P10_ACCESSION_NUM:miami1185571813)
  - Yorgancioglu, D. (2004). Steven Holl: a translation of phenomenological philosophy into the realm of architecture. Unpublished master's thesis. Ankara: Middle East Technical University
- [https://www.researchgate.net/profile/Shawn\\_Gallagher2/publication/225565977\\_Merleau-Ponty's\\_Phenomenology\\_of\\_Perception/links/0912f5109af208ec9e000000/Merleau-Pontys-Phenomenology-of-Perception.pdf](https://www.researchgate.net/profile/Shawn_Gallagher2/publication/225565977_Merleau-Ponty's_Phenomenology_of_Perception/links/0912f5109af208ec9e000000/Merleau-Pontys-Phenomenology-of-Perception.pdf)
- پورجعفر، محمد رضا و پورمند، حسن. (۱۳۹۰). پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی. فصلنامه شهرهای ایرانی و اسلامی، (۳). <http://iic.icas.ir/image/Journal/Article/No3/2.pdf>
  - حمزه نژاد، مهدی و دشتی، مینا. (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. نقش جهان، (۲): ۳۵-۲۴. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-895-fa.pdf>
  - شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۸۸). روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری. ت: محمد رضا شیرازی. تهران: رخ داد نو.
  - شیرازی، محمد رضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما. تهران: رخ داد نو.
  - کارمن، تیلور. (۱۳۹۴). مرلوپوتنی. ت: مسعود علیا. تهران: ققنوس.
  - مارتین، هایدگر. (۱۳۹۴). هستی و زمان. ت: سیاوش جمادی. تهران: هرمس.
  - David A. Greenwood. (2008). A critical pedagogy of place: from gridlock to parallax, Environmental Education Research, Vol. ۱۴, No. ۳, pp. ۳۳۶-۳۴۸. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13504620802190743>
  - Galen.A, Johson & Michael B, Smith. (1993). the Merleau - ponty Aesthetics Reader, Philosophy and painting, Nothwestem University, Press, Evansion.
  - Gallagher, Shaun. (2010). Merleau-ponty's Phenomenology of perception, Topoi: an International Review of Philosophy, Vol. ۲۹, No. ۲, pp. ۱۸۴



۱۳- چکیده تصویری



دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال پنجم، شماره نهم

بهار و تابستان ۱۴۰۰

